فائزه غلامی، «ملکه مار ایران» از تجربه عجیب خود در زندگی با مارهای سمی می‌گوید

بوسه‌های مرگبار

- هفت سالم بود که توانستم یازده بار زبان شاه مار کبرا را ببوسم و رکورد زدم
- مار کبرا لبم را در نمایشگاه نیش زد که اگر تجربه پدرم نبود، جان سالم به در نمی‌بردم
- افعی یک بار چشم پدرم را نیش زد و انگشتش هم به خاطر گزش مار قطع شده
- نشانه‌های مارهای سمی این است: سَر مثلثی شکل، مردمک عمودی چشم‌ها، حرکت روی پهلو و باریک‌شدن دم در انتها

فاطمه صفری | یازده بار بر زبان شاه مار کبرا بوسه زد و به «ملکه مار ایران» ملقب شد؛ هر چند پیش از این هم پدرش لقب «سلطان مار ایران» را یدک می‌کشید. البته ماجرا برمی‌گردد به پانزده سال پیش، زمانی که فائزه تنها هفت سال داشت. پدرش بوسه دختر چینی بر سر ماری سمی را در روزنامه‌ای دید و برای ثبت نام فائزه در گینس ترغیب شد. در واقع «سلطان مار ایران» تصمیمی جسورانه گرفت و کودک هفت ساله را به بوسیدن زبان شاه مار کبرا تشویق کرد؛ جانوری مخوف که پادزهری هنوز برای سم آن کشف نشده است! این ابتدای راه دختر بچه‌ای بود که از سه سالگی با مارها عجین شد و در هفت سالگی رکورد خود را در گینس به ثبت رساند. فائزه از همان کودکی شهر به شهر پدرش را همراهی می‌کرد و مارها را برای مردم به نمایش می‌گذاشت. او در یازده سالگی توانست به همراه برادر کوچکتر خود به مدت دوازده ساعت با انواع مارهای سمی در آکواریوم یک در یک (متر) بازی کند، بدون این‌که هیچ مشکلی برایش به وجود بیاید. بسیاری فکر می‌کنند که مارها ممکن است به صاحبان خود عادت کنند اما واقعیت این است که مار رام نمی‌شود؛ تا جایی که این دختر بچه بارها و بارها گزش مار را تجربه کرده است. در این گفت‌وگو درباره زندگی عجیب او و تجربه‌های شگفت‌انگیزش در برخورد با مارها پرسیده‌ایم.

• «ملکه مار ایران» لقبی بود که بعد از ثبت رکورد روی تو گذاشتند.

بله؛ این لقب را بعد از رکوردم روی من گذاشتند و در گوگل هم اگر سرچ کنید، اسم من می‌آید.

• درباره این رکورد صحبت خواهیم کرد؛ اما فعلا از حالا شروع کنیم. چند سالت است؟

بیست سالم است.

• کجا زندگی می‌کنی؟

شهرکرد. دانشجو هستم.

• چه رشته‌ای و کجا؟

روانشناسی؛ دانشگاه شهرکرد.

• چه زمانی احساس کردی با مارها راحت هستی؟

من از سه سالگی شروع به شناختن مارها و برقراری ارتباط با آنها کردم؛ به خاطر علاقه‌ای که به طبیعت و حیوانات داشتم، به‌خصوص مارها. اما من نسبت به سایر اعضای خانواده‌ام علاقه بیشتری در این زمینه از خودم نشان دادم. البته بعد از رکورد هفت‌سالگی‌ام احساس کردم می‌توانم با این موجود بیشتر عجین شوم.

• چه شد که به فکر ثبت اسمت در کتاب گینس افتادی؟

پدرم در روزنامه‌ای خوانده بود که یک دختر چینی توانسته سر مار کبرا را سه بار ببوسد. پدرم وقتی دید من استعداد و علاقه دارم، شروع به آموزش من کرد. همین آموزش و تجربه پدرم کمک کرد تا بتوانم زبان شاه مار کبرا را یازده بار ببوسم.

• نخستین‌بار که خواستی نوک زبان مار را ببوسی، نترسیدی؟

در آن زمان هفت ساله بودم؛ برای همین از مار ترس نداشتم، چون کودکی کنجکاو و علاقه‌مند به حیوانات به‌خصوص مارها بودم. همچنین آموزش‌هایی که پدرم به من داده بود، باعث شد از مار ترس نداشته باشم؛ تا جایی که به یاد دارم، خیلی مشتاق بودم زودتر این رکورد را بزنم و به همه نشان بدهم که یک دختر بختیاری چه هنری دارد.

• نگاه همسالانت به تو چطور بود؟ تعجب نمی‌کردند یا به خاطر این تفاوت احساس نمی‌کردند باید از تو دوری کنند؟

نه؛ خدا را شکر خیلی نگاه مثبت و خوبی داشته‌اند؛ خیلی کنجکاو هستند در مورد این خزنده اطلاعات داشته باشند. می‌توان گفت بیشترین صحبت من و اطرافیانم در مورد مار است. همچنین اجتماعی بودنم باعث شده تا با اطرافیانم به راحتی ارتباط برقرار کنم. شاید برای همین است که بسیاری از دوستانم عاشق حرفه من هم شده‌اند.

• اما بچگی تو به همین خاطر، با دیگران تفاوت داشته. حالا که بزرگتر شده‌ای، احساس نمی‌کنی این تفاوت آزاردهنده باشد؟ از این کودکی رضایت داشتی؟

بله؛ همان‌طور که گفتم به خاطر علاقه‌ام به طبیعت، حیوانات و به‌خصوص مارها نسبت به اعضای خانواده‌ام بیشتر علاقه نشان دادم. البته هیچ‌گاه پدرم ما را مجبور به ورود در این کار نکرد، برای همین از بین ۶ فرزند، تنها ۳ فرزند به این کار علاقه نشان دادند و وارد آن شدند.

• اگر دوباره به کودکی برگردی، با مارها عجین می‌شوی یا متفاوت زندگی می‌کنی؟

اگر بارها و بارها به گذشته برگردم، نه‌تنها ارتباط با مارها را ادامه می‌دهم، بلکه در مورد حیوانات دیگر هم مطالعه می‌کنم و با آنها عجین می‌شوم.

• خب این ارتباط با مارها تأثیری در خلقیات تو نداشت؟

به نظر من هر چیزی در خلق و خوی انسان تأثیر می‌گذارد. این خود انسان است که تأثیرات را کم یا زیاد می‌کند. من فکر می‌کنم، علت نترس بودنم، ارتباط با مارها بوده. برای همین نسبت به اطرافیان و دوستانم، دل و جرأت بیشتری دارم.

• این دل و جرأت به خاطر این نیست که تو صاحب مارها هستی؟ اصلا برای مارها فرقی دارد که کسی صاحب‌شان باشد یا نه؟ مارها قدرت تشخیص آدم‌ها را از همدیگر دارند؟

مار حیوانی وحشی است و رام نمی‌شود. مار دوست و دشمن نمی‌شناسد، هر لحظه ممکن است کسی را بزند. به همین جهت مسلما نمی‌تواند برای خود صاحب داشته باشد.

• پس تا به حال تو را هم نیش زده.

بله؛ انگشت پدرم به خاطر گزش مار قطع شد. مار افعی هم یک بار چشمش را نیش زد. حتی مار کبرا یک‌بار خودم را در نمایشگاه کوهسنگی مشهد نیش زد. خدا را شکر با تجربه پدر و به همراه داشتن پاتن (پادزهر) جان سالم به در بردم.

• بدترین زخمی که از مار خوردی چه زمانی بود؟

بدترین زخمی که خوردم، چند سال پیش بود؛ وقتی که مار کبرا لبم را در حین نمایش نیش زد؛ ولی خب جان سالم به در بردم. اما این اتفاق هم به خاطر سهل‌انگاری یکی از تماشاچیان بود؛ زیرا پدرم قبل از نمایش اعلام کرد با دوربین فلش نزنید، چون چشم‌های مار به نور فلش حساس است، اما تماشاگران بدون توجه به این موضوع در حین عکسبرداری فلش زدند. فلش دوربین باعث شد مار اذیت شود و مرا نیش بزند.

بدترین زخمی که خوردم، چند سال پیش بود؛ وقتی که مار کبرا لبم را در حین نمایش نیش زد ولی خب جان سالم به در بردم؛ اما این اتفاق هم به خاطر سهل‌انگاری یکی از تماشاچیان بود زیرا پدرم قبل از نمایش اعلام کرد با دوربین فلش نزنید، چون چشم‌های مار به نور فلش حساس است اما تماشاگران بدون توجه به این موضوع در حین عکسبرداری فلش زدند. فلش دوربین باعث شد مار اذیت شود و مرا نیش بزند

• درواقع می‌خواهی بگویی مار رام نمی‌شود؛ درست است؟

بله؛ چون خویی وحشی دارد. برای همین دوست و دشمن نمی‌شناسد؛ این طبع همه حیوانات وحشی است.

• با این حال چرا اکثرا از مار می‌ترسند؟ چرا شما نمی‌ترسید؟

نمی‌شود گفت ترس از مارها وجود ندارند. مار یک حیوان وحشی است، هر لحظه امکان دارد کسی را نیش بزند. من و خانواده‌ام تجربه زندگی با مار را داشتیم؛ برای همین شناختمان در مورد خزندگان نسبت به عامه مردم بیشتر است. بیش از ۱۵سال است که با مارها زندگی می‌کنم. انواع مارهای سمی، غیرسمی یا نیمه سمی را می‌شناسم. شاید همین شناخت و تجربه چندین و چند ساله است که باعث شده ما از مارها نترسیم و به آنها علاقه‌مند شویم.

• اصلا مارها انسان‌ها را از هم تشخیص می‌دهند؟

مار چون خوی وحشی‌گری دارد، دوست و دشمن را نمی‌شناسد. بنابراین نمی‌تواند انسان‌ها را تشخیص دهد. چشمان مار مشبکی شکل می‌بیند (مات). اجسام زنده‌ای را که از خود گرما دارند، محرک قرمز رنگ می‌بیند و اجسام بی‌جان را زردرنگ می‌بیند. این یک توصیف مستند از دید مار است؛ اما به طور کلی انسان را مثل بقیه موجودات حس می‌کند.

• مارها از چه چیزی عصبی می‌شوند؟

مارها هم مثل همه حیوانات و حتی مثل خود انسان از این‌که مورد اذیت و آزار قرار بگیرند یا کسی به حریمشان وارد شود، عصبانی می‌شوند. مارها را هرگز اذیت نکنید؛ زیرا در این صورت خود را به لبه پرتگاه مرگ نزدیک می‌کنید، به‌گونه‌ای که خودتان باعث تحریک مارها می‌شوید و به ناگاه گزیده می‌شوید.

• چه زمانی به انسان حمله می‌کنند؟

شاید بتوان اولین دلیل نیش‌زدن مار را دفاع از خود دانست. البته عوامل دیگری نیز در آن تأثیرگذارند، مانند زمانی که می‌خواهند شکار کنند و شکار خود را از پا بیندازند.

• پس احتمال دارد به هر موجود زنده‌ای حمله کند.

همان‌طور که گفتم، مار برای دفاع از خودش و شکار، نیش می‌زند. در توضیح بهتر است بگویم در دو حالت نیش می‌زند؛ اگر از جانب موجود زنده مورد آزار قرار بگیرد و اگر گرسنه باشد.

• با این توضیح، این‌که انسان و مار با هم دوست شوند، امکان دارد؟

من فکر می‌کنم مارها به شرایط عادت می‌کنند ولی با انسان دوست نمی‌شوند، چون دوست و دشمن نمی‌شناسند.

• کدام مارها خطرناک‌تر هستند؟ ویژگی‌هایی دارد که ما بفهمیم؟

ما، مارهای خطرناکی در سطح جهان داریم که هنوز پادزهر برای آنها ساخته نشده است. از سمی‌ترین مارهای ایران که جزو سمی‌ترین مارهای دنیاست (مار افعی دُم عنکبوتی) که زیستگاه آن در استان ایلام است و هنوز برای این مار پادزهری ساخته نشده و مار سمی استان چهارمحال‌وبختیاری (افعی کوهرنگ). این مار را پدرم شناسایی کرد و به ثبت رساند. خانواده افعی‌ها و کبراها از خانواده سمی‌ترین مارها هستند، اما نشانه‌های مارهای سمی این است: سَر مثلثی شکل دارند، مَردُمک چشمشان عمودی، به شکل عدد ۱ است و به روی پهلو حرکت می‌کنند. اندامشان هم به انتهای دم که می‌رسد، باریک می‌شود.

• در این مدت به گرفتن سم مار هم فکر کردی؟ ارزش فوق‌العاده‌ای در علوم پزشکی دارد.

بله، پدرم با سرم‌سازی رازی کشور در ارتباط است و از سم مارها برای ساختن پادزهر مُلیوالان و پُلی و الان استفاده می‌کنند.

• می‌گویند در منطقه‌ای که شما زندگی می‌کنید، بزرگ‌شدن در کنار حیوانات، حتی حیوانات سمی و خطرناک عادی است. درست است؟

استان چهارمحال‌وبختیاری، استانی سردسیر و کوهستانی است. اگر بخواهیم کلی بگوییم، مردم روستاهای استان ما به دلیل آب و هوا و منطقه کوهستانی نسبت به جاهای دیگر از نظر چابکی و زرنگی برتر هستند، اما این‌که با حیوانات زندگی کنند، آن‌هم سمی و خطرناک، نه! چنین چیزی وجود ندارد. البته مردمی هستند که دام دارند و به خاطر شغل‌شان با دام‌ها در ارتباط هستند، ولی ارتباط با حیوانات خطرناک و سمی یک امر عادی نیست و مثل مردم دیگر شهر که از این حیوانات می‌ترسند، آنها هم ترس دارند.

• خودت هیچ‌وقت فکر کرده‌ای زمانی که خواب هستی یا حواست نیست، تو را بزند؟

خب، ما همیشه احتیاط می‌کنیم تا این اتفاق نیفتد، اما زمانی که حواسمان به مارهای دیگری است، یک مار به صورت ناگهانی حمله می‌کند. ولی تابه‌حال در خواب پیش نیامده.

• با تمام این توضیحات، چرا دیگر مار ندارید؟

نمی‌توان گفت مار نداریم، چون مار داریم اما در نمایشگاه نگهداری می‌شوند. البته مدت زمانی هست که من از اجرای نمایش با مارها خداحافظی کردم. گاهی اوقات به نمایشگاه می‌روم و با مارها بازی می‌کنم. علاقه من به مارها از بین نرفته است.

• به خاطر مارگزیدگی‌هایی که درباره آن گفتید؟

ما، مار داریم و از آنها دوری نکرده‌ایم. من فقط از اجرای نمایش با مار خداحافظی کردم، ولی همچنان مطالعه و پژوهش درمورد خزندگان را ادامه می‌دهم.

• گفتی در نمایش‌ها حضور پیدا نمی‌کنی. چرا؟

با بالارفتن سنم دیگر صلاح نمی‌دانستم که در نمایش با مارها حضور داشته باشم اما مطالعه در زمینه خزندگان و مارها را همچنان ادامه می‌دهم. به امید این‌که در زمینه علمی بتوانم افتخارات بیشتری کسب کنم.

• برخورد مردم در نمایشگاه‌ها چطور بود؟

معمولا مردم برایشان خیلی عجیب است و پیش آمده که ساعت‌ها سوال بپرسند. سوالات مختلفی در مورد این حرفه و خزندگان. مردم کنجکاوند و اطلاعات می‌خواهند. خوشبختانه مردم لطف زیادی دارند و خیلی مشتاق دیدن دختر رکورددار هستند.

• درصورتی که کسی رکوردت را در بوسیدن مار بشکند، حاضر به رقابت با او هستی؟

فکر نمی‌کنم کسی بتواند رکورد مرا بشکند. اگر می‌توانستند تابه‌حال رکوردم را شکسته بودند.

• تابه‌حال به فکر پرورش مار هم افتاده‌ای؟

بله، چند سالی است با پدرم در این زمینه شروع به فعالیت کرده‌ایم.

• غیر از این، پدر شما ۳ نوع مار جدید را هم کشف کرده. با توجه به این فعالیت‌های پدرت، تابه‌حال نسبت به این موضوع کنجکاو نشده‌ای که به دنبال کشف مارهای جدید بروی؟

بله، ۳ نوع مار را به ثبت رسانده‌اند. من نه‌تنها به دنبال کشف مارهای جدید هستم بلکه سال‌هاست روی خزندگان و مارها مطالعه و پژوهش می‌کنم تا از این طریق اطلاعات و کشفیات جدیدی از این موجودات زیبا به دست بیاورم.

• غیر از آن رکورد، تو ۱۲ساعت با مارها زندگی کرده‌ای. در آن ۱۲ساعت، ترس یا مشکلی برایت به وجود نیامد؟

در سن ۱۱سالگی به همراه برادر ۶ساله‌ام، ۱۲ساعت در آکواریوم با ۳۰ نوع مار سمی زندگی کردیم. پدرم فردی باتجربه است. زمانی هم که ما در آکواریوم بودیم، حضور داشت و اگر اتفاقی می‌افتاد، زود دست به کار می‌شد. البته باید در نظر داشت که ما مدت‌ها آموزش دیده بودیم و چون من از برادرم بزرگتر بودم، محیط داخل آکواریوم را کنترل می‌کردم؛ با برادرم صحبت می‌کردم و از تجربه اولین رکوردم برایش می‌گفتم یا از خواص و زیبایی‌های مارها که چه موجودات خواستنی هستند. از این طریق به برادرم آرامش می‌دادم و با مارها بازی می‌کردیم تا مارها احساس نکنند از آنها ترسیده‌ایم، چون ۵۰درصد مارگزیدگی از ترس اتفاق می‌افتد.

• آیا از زندگی با مارها لذت می‌بردی یا کنجکاوی کودکانه بود؟

بله. من از کودکی عاشق طبیعت، حیوانات و به‌خصوص مارها بوده و هستم. من از روی علاقه وارد این کار شدم. هیچ اجباری در کار نبود. شاید باورش برای بسیاری سخت باشد ولی از طریق همین طبیعت و حیوانات، به‌خصوص مارها بود که به عظمت خلقت خدا پی بردم. وقتی می‌دیدم مارها چقدر زیبا نقاشی شده‌اند و به خواص آنها پی می‌بردم یا وقتی می‌دیدم سم مار، جان انسان را می‌گیرد و همان سم می‌تواند جان انسان را نجات دهد، ایمان قلبی آوردم به کسی که خالق چنین زیبایی‌هاست. من واقعا لذت می‌برم، چون خلقت خدا واقعا زیباست. به نظرم مارها یکی از زیباترین خلقت‌های خداوند هستند.

• تابه‌حال به فکر ارتباط با خزندگان دیگر هم افتاده‌ای؟ می‌توانی ارتباطی که با مارها برقرار کرده‌ای، با آنها هم برقرار کنی؟

ما در نمایشگاه، انواع مارها، سوسمارها، تمساح‌ها و خزندگان دیگر را هم داریم. من با آنها در ارتباط هستم و به آنها آب و غذا می‌دهم. اگر بخواهم می‌توانم ارتباط صمیمانه‌تری با آنها برقرار کنم ولی ترجیح می‌دهم بیشتر با مارها عجین باشم.

• تابه‌حال به فکر صادرات مار یا پوست مار هم بوده‌اید؟

چند سالی هست که مشابه این کار را انجام می‌دهیم. مارهای کمیاب را در محیطی مناسب و مشابه با محیط زندگی‌شان در کنار هم می‌گذاریم و آنها جفت‌گیری می‌کنند. از این طریق مار تولیدمثل می‌کنند. همین امر باعث پرورش و افزایش مار شده است. خوشبختانه در این زمینه توانسته‌ایم موفقیت‌های بسیاری به دست بیاوریم. ازجمله زایمان ۲۰قلو مار بوآ. زایمان مار چیز عجیبی نیست، اما این‌که مار در شرایط آکواریومی زایمان کند، عجیب است، اما در نمایشگاه ما این اتفاق افتاد. از دیگر اتفاقات مهیج دیگر، تخم‌گذاری شاه مار مرجانی و به دنیا آمدن بچه‌هایش بود، زیرا این مار در شرایط محیطی جنگل هم کم پیش می‌آید بچه‌هایش سالم به دنیا بیایند ولی در نمایشگاه ۱۰ بچه سالم از تخم بیرون آمدند.

• با فرض بر این‌که رکورد شما شکسته شود، مانند گذشته حاضر به رقابت هستید؟

بستگی به شرایط آن زمان دارد.

• مادرتان برای ارتباط شما با مارها مشکلی نداشت؟

مادرم به پدرم و تجربه چندین‌ساله‌اش اعتماد داشت. همچنین از علاقه‌ام نسبت به مارها باخبر بود. به همین خاطر نه‌تنها ممانعت نمی‌کرد، بلکه مرا در این راه نیز تشویق می‌کرد و همیشه دعای خیر مادرانه‌اش بدرقه راهم بوده. برای همین باید تشکر ویژه کنم از پدر خوبم به خاطر زحمت‌ها و کمک‌های همیشگی‌اش، همچنین مادرم که بهترین یاور و دوست من در زندگی بوده و هست و علاقه و ذوق مرا درک کرد.